

Original Article

Ethical Effects of Institutions Exemption from Punishment and Postponement of the Conditional Discharge

Mohammad Kazem Emarati¹, Iraj Goldozian^{2*}, Maryam Aghaie Bajestani³

1. Ph.D. Student in Department of Criminal Law and Criminology, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.
2. Professor, Department of Criminal Law and Criminology, University of Tehran, Faculty of Law and Political Science, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: Aghaye.rt@gmail.com
3. Associated Professor Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

Received: 10 Feb 2019 Accepted: 23 June 2019

Abstract

Background and Purpose: Providing conditions for the Reconstruction and restoration of social offenders is one of the most important legal and criminal issues in different laws of the world that it in turn effects on social and individual ethics. Because it provides a way to ethically reform for society by conducting Reconstruction and restoration social offenders and ensuring that penalties are not repeated. . The present study seeks to examine the ethical implications and consequences of Institutions exemption from punishment and postponement of the conditional Discharge in domestic law.

materials and methods: While our subject is Moral legitimacy in of Institutions exemption from punishment And postponement of The conditional Discharge, The use of legal and ethical texts as well as an examination of legal and criminal law as documents and sources on this subject are on the agenda. Therefore, the research approach is descriptive-analytical and the research method is qualitative.

findings: The most important findings of the present study is that Institutions exemption from punishment And postponement of the conditional Discharge for individualization of penalties as well as the rehabilitation of non-dangerous criminals, create ethical and normative practices in Islamic society, and thus promote the principle of human dignity in the individual and Social.

Conclusion: Rehabilitation and reform of human behavior in society is one of the main foundations of Islamic law and ethics. So helping to non-dangerous criminals can be a way to revive it in Islamic society. In addition, of Institutions exemption from punishment and postponement of the conditional Discharge can reduce the number of prisoners and improve the status of reformable criminals, which in turn has ethical legitimacy.

Keywords: Ethics; Institutions Exemption from Punishment and Postponement of the Conditional Discharge; Human Dignity

Please cite this article as: Emarati MK, Goldozian I, Aghaie Bajestani M. Ethical Effects of Institutions Exemption from Punishment and Postponement of the Conditional Discharge. *Iran J Med Law, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2019; 279-291.*

آثار اخلاقی نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم

محمدکاظم عمارتی^۱، ایرج گلدوزیان^{۲*}، مریم آقایی بجستانی^۳

۱. دانشجوی دکترای تخصصی گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

۲. استاد گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: Aghaye.rt@gmail.com

۳. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۱ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۱

چکیده

زمینه و هدف: فراهم کردن شرایط برای بازسازی و احیای مجرمان اجتماعی یکی از موضوعات مهم حقوقی و کیفری در قوانین مختلف دنیا به شمار می‌رود که به نوبه خود بر اخلاق اجتماعی و فردی اثرگذار است. به این دلیل که با اجرای عملیات بازپروری و بازسازی مجرمان اجتماعی و اطمینان از عدم تکرار مجازات، راهی برای اصلاح اخلاقی جامعه فراهم می‌شود. پژوهش حاضر درصدد است تا آثار و پیامدهای اخلاقی نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم را در حقوق داخلی مورد بررسی قرار دهد.

مواد و روش‌ها: با توجه به این که موضوع بحث، مشروعیت اخلاقی نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم است، بهره‌گیری از متون حقوقی و اخلاقی و همچنین کندوکاو در قوانین حقوقی و کیفری به عنوان اسناد و منابع این موضوع، در دستور کار قرار گرفته است. بنابراین رویکرد پژوهش، توصیفی - تحلیلی و روش پژوهش نیز کیفی است.

یافته‌ها: مهم‌ترین یافته‌های پژوهش حاضر، این است که نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم، به دلیل فردی کردن مجازات‌ها و همچنین بازپروری مجرمان غیر خطرناک، باعث ایجاد رویه‌های اخلاقی و هنجاری در جامعه اسلامی می‌شوند و از این جهت، اصل کرامت انسانی را در حوزه‌های فردی و اجتماعی، مورد توجه قرار می‌دهند.

نتیجه‌گیری: بازپروری و اصلاح رفتار انسان در جامعه، یکی از پایه‌های اصلی حقوق و اخلاق اسلامی است و از این جهت، کمک به مجرمان غیر خطرناک، می‌تواند راهی برای احیای آن در جامعه اسلامی باشد، ضمن این که نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم، می‌توانند باعث کاسته شدن از تعداد زندانیان و بهبود وضعیت مجرمان اصلاح‌پذیر شود که به نوبه خود مشروعیت اخلاقی دارد.

واژگان کلیدی: اخلاق؛ معافیت از کیفر؛ تعویق صدور حکم؛ کرامت انسانی

مقدمه

اخلاق اسلامی به عنوان زیربنای فعالیت‌ها و رفتارهای اجتماعی، نقش مهمی در تدوین، تنقیح و اجرای قوانین در حوزه‌های مختلف، از جمله حوزه‌های مربوط به حقوق کیفری دارند. از این منظر، هدف اصلی قوانین کیفری، نه تنها مجازات مرتکبان، بلکه اصلاح و بازپروری و سوق دادن آنان به سمت فعالیت‌های سالم اجتماعی است. بنابراین قوانین کیفری، همواره سعی در گنجاندن اصولی اخلاقی برای بازپروری مجرمان اجتماعی دارند. این موضوع در قوانین مجازات ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است و حتی می‌توان گفت قانون مجازات اسلامی اصلاح شده در سال ۱۳۹۲، یکی از مهم‌ترین ابداعات نهادها و قوانین مرتبط با اصول اخلاقی، در زمینه قوانین کیفری است.

روش‌های پیشگیری، بازدارنده و اخلاقی برای بازپروری مجرمان، نیازمند اصلاح قوانین و توجه به رویکردهای مؤثر بازپروری است که به طور معمول در نظام‌های حقوقی دنیا نیز مورد توجه قرار می‌گیرد، ضمن این‌که در چنین رویکردی، با هدف زندان‌زدایی و اصلاح رویه‌های مجرمان غیر خطرناک، روش‌هایی برای بهبود اخلاق اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. همین موضوع، برخی نظام‌های حقوقی را در تصمیم‌گیری میان زندان و اصلاح و بازپروری مجرمان، مردد کرده است. به همین دلیل، در بسیاری از موارد، قاضی دچار این تردید است که آیا با صدور حکم، مجرم را به میان جمعیت بزه‌کاران و به زندان بفرستد یا راجع به درمان او، تصمیم دیگری بگیرد. همواره قضات، دچار این تردیدند که آیا آزاد نمودن مجرم با استفاده از تدابیر ارفاقی، به ارتکاب بزه دیگری از سوی مرتکب، نمی‌انجامد؟ بی‌تردید برای دستیابی به پاسخ، پیش‌بینی جرم و به کارگیری نظر متخصصان، می‌تواند قاضی را در گرفتن تصمیم مناسب، کمک کند، هرچند ارتکاب اشتباه در آن، با بالابردن اشتباهات دستگاه قضایی، نتایج اخلاقی وخیم و گاه غیر قابل جبران دارد (۱).

در هر صورت، اصلاح رفتارهای اجتماعی و کمک به بازپروری افرادی که در معرض اعمال ارتکاب به جرم هستند، به نوعی می‌تواند باعث ایجاد اخلاق اجتماعی در جامعه شود و

حتی زمینه‌های لازم برای ترویج اخلاق اسلامی از جهت کمک به مجرمان غیر خطرناک را فراهم آورد. این موضوع به طور مشخص در نظام حقوقی ج.ا. ایران نیز در نظر گرفته شده است.

در نظام حقوقی ایران، نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم برای بهبود یافتن اخلاق اجتماعی و فردی، در مواد ۳۹ و ۴۰ قانون مجازات اسلامی دیده می‌شوند. به طور مشخص، یکی از مهم‌ترین نهادهای نوین در ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، حکم معافیت از کیفر در ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی است. به موجب این ماده: «در جرائم تعزیری درجه‌های هفت و هشت، در صورت احراز جهات تخفیف، چنانچه دادگاه پس از احراز مجرمیت، تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب، اصلاح می‌شود، در صورت فقدان سابقه کیفری مؤثر و گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن، می‌تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند.»

نوآوری مهم دیگر در ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، نهاد تعویق صدور حکم است. ماده ۴۰ این قانون بیان کرده است: «در جرائم موجب تعزیر درجه شش تا هشت دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است، در صورت وجود شرایط زیر، صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد: ۱- وجود جهات تخفیف؛ ۲- پیش‌بینی اصلاح مرتکب؛ ۳- جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران؛ ۴- فقدان سابقه کیفری مؤثر...»

در هر صورت، نظام حقوقی ایران از جمله ق.م.ا نگاه خاصی به اصلاح و بازپروری افراد مرتکب در جامعه دارد و از این جهت، وجه اخلاقی این قوانین قابل بررسی است. به همین دلیل، پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا با بررسی جایگاه نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم، نقش و آثار اخلاقی آن را در جامعه مورد شناسایی قرار دهد. از ضرورت‌های مهم موضوع ورد بحث، توجه به زندان‌زدایی، اصلاح رفتارهای مجرمان غیر خطرناک و همچنین زمینه‌سازی برای بازپروری و اصلاح آنان در عرصه‌های فردی و اجتماعی است. به همین

دلیل، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که: نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم، چگونه می‌توانند باعث بهبود اخلاق فردی و اجتماعی و همچنین کمک به اصلاح رفتارهای مجرمان در جامعه شوند؟

پیشینه تحقیق

نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم در اغلب قوانین حقوقی جهان به اشکال مختلفی مورد توجه قرار گرفته‌اند و به همین دلیل، پژوهش‌های متعددی به بررسی ابعاد مختلف آن پرداخته‌اند که به برخی از مهم‌ترین آنان اشاره می‌شود:

محمد رضا حائری‌زاده حریمی و همکاران (۱۳۹۵ ش.) در مقاله بررسی فقهی و حقوقی امکان‌سنجی الغای مجازات حبس در جرائم علیه کیان خانواده، نهاد خانواده را یکی از مهم‌ترین واحدهای اجتماعی می‌دانند که چاره‌اندیشی درباره اصلاح و جلوگیری از نفوذ و انحراف در آن از منظر الغای مجازات‌های حبس قابل تحقق است. زهرا عباس‌زاده (۱۳۹۴ ش.) در مقاله مجازات‌های جایگزین زندان (حبس) در قانون جدید به مواردی از جایگزینی مجازات حبس اشاره می‌کند که در قوانین داخلی ایران شامل آزادی مشروط، تعلیق مجازات و تبدیل مجازات می‌باشد. این ساز و کارها در واقع در پاسخ به شرایط جرم‌زایی زندان‌ها و همچنین آثار اجتماعی و فردی مجازات جایگزین زندان‌ها برای افراد جامعه است. زهرا اصغری (۱۳۹۳ ش.) در پژوهشی با عنوان حبس‌زدایی و نقش آن در پیشگیری از تکرار جرم از منظری جرم‌شناسی به موضوع حبس‌زدایی می‌پردازد و بر این عقیده است که رویکردهای متفاوتی نسبت به اجرای حبس و تبدیل مجازات حبس به اصلاح مجرمان دیده می‌شود. با این حال، دیدگاه‌های جدیدی در زمینه اصلاح مجرمان و رفع مجازات حبس جهت اصلاح مجرمان وجود دارد که امروزه در بسیاری از کشورها مورد توجه قرار گرفته است. همچنین صغرا حقیقی و همکاران (۱۳۹۳ ش.) در تحقیقی با عنوان تأثیر حبس بر زندانی و خانواده‌ها در بوشهر با رویکردی کمی نشان داده‌اند که نهادهای زندان و حبس، مجازات مناسبی برای همه مجازات‌ها

نیستند. به این دلیل که حدود ۲۰٪ از افرادی که از زندان خارج می‌شوند، غالباً دچار مشکلات اقتصادی و اجتماعی متعددی می‌شوند.

پژوهش حاضر، از جهتی که نهادهای معافیت از کیفر را مورد بررسی قرار می‌دهد، دارای وجوه مشترکی با پژوهش‌های یاد شده است، اما از آنجا که بررسی آثار اخلاقی نهادهای مزبور تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است، باعث تمایز پژوهش حاضر از سایر پژوهش‌ها شده است.

مفاهیم بحث

۱- اخلاق

اخلاق جمع «خُلُق» اشاره به نیرو و سرشتی درونی دارد که نمود آن در رفتارهای عینی انسان‌ها دیده می‌شود. با این حال، مقصود از اخلاق در یک معنا، رفتارهای پسندیده و قابل تحسین است که می‌تواند باعث زیست مطلوب انسان‌ها گردد. بنابراین اخلاق پسندیده یک فضیلت است. هنگامی که فضائل اخلاقی مناسب به وجود بیاید، نسل جدیدی که در آن زیست می‌کند، به صورت عملی با ارزش‌های اخلاقی آشنا می‌شوند و بر اساس ساز و کار تقلید و هم‌رنگی، آن را در زندگی روزمره خود به کار می‌بندد و بدین ترتیب عادت‌های اخلاقی نیکو در آن‌ها پرورش می‌یابد (۲). بدین ترتیب در پژوهش حاضر، اخلاق به معنی ایجابی آن و تلاش برای ارتقا و بهبود رفتارهای آحاد جامعه از جمله مجرمان غیر خطرناک در پرتو نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم مد نظر است. از طرفی دیگر، عدالت اخلاقی به عنوان اصطلاحی مرتبط با اخلاق فردی و اجتماعی، بیانگر نوعی رویکرد برابر میان افراد جامعه در زمینه‌های مختلف است که می‌تواند جایگاه خاصی برای رشد فضائل اجتماعی فراهم آورد.

۲- تعویق

«تعویق»، واژه‌ای عربی، به معنای بازداشتن، به تأخیر افکندن، به زمان دیگری موکول کردن، درنگ کردن در کاری و وقفه است (۳). بنابراین جا به جایی زمان یک عمل خاص و جلوگیری از انجام آن در زمان اولیه می‌تواند بیانگر مفهوم تعویق باشد. این موضوع در نظام‌ها و قواعد حقوقی بار معنایی

۴- نهاد تعویق صدور حکم

تعویق صدور حکم، برخاسته از نظام تعلیق مراقبتی در حقوق انگلوساکسون است که در سال ۱۸۴۱ به ابتکار جان آگوستوس، یک کفاش اهل بوستن آمریکا به وجود آمد (۵). این نهاد، پس از جنگ جهانی اول، مورد توجه سایر کشورهای حقوق عرفی، مانند انگلستان قرار گرفت و به کشورهای دارای نظام حقوق نوشته از جمله فرانسه نیز وارد شد. در حقوق ایران، نخستین پرتو روی آوری به این نهاد، در ماده ۲۵ لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان که در پایان شهریور ۱۳۸۲ از سوی قوه قضاییه به دولت ارسال گردید، دیده می‌شود. قوه قضاییه بار دیگر در ماده ۴۵ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان که در ۱۳۸۸/۲/۲۲ تقدیم دولت کرد، تعویق صدور حکم را پیشنهاد نمود، ولی هیچ یک از این لوایح، به مرحله تصویب نرسید. با این وجود، تعویق صدور حکم که برگرفته از حقوق کیفری فرانسه، نظر سیاستگذاران جنایی را به خود جلب کرده بود، در ق.م.ا سال ۱۳۹۲، پیش‌بینی شد. بنابراین تعویق صدور حکم، یکی از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ بوده که تاکنون سابقه‌ای به صراحت قانون مزبور نداشته است. درباره تعریف تعویق صدور حکم چنین آمده است: «نهاد تعویق صدور حکم، چهره‌ای اختیاری و درون‌پرونده‌ای دارد، یعنی برخلاف تعویق رسیدگی کیفری یا تعویق اجرای مجازات، در اینجا قاضی خود تصمیم می‌گیرد که صدور حکم را به تعویق بیندازد یا خیر و به رغم حصول شرایط تعویق حکم، دادگاه تکلیفی به تعویق حکم ندارد. بنابراین تعویق صدور حکم به نگارش حکم منجر نمی‌شود و فقط در قالب یک قرار به مرتکب اعلام می‌شود که مجرمیت یا محکومیت وی احراز شده است، ولی فعلاً برای وی تعیین مجازاتی صورت نمی‌گیرد» (۶).

۵- حقوق جهانی معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم

حقوقی‌سازی نهادهای کیفری پیشنهادشده در اسناد بین‌المللی در قوانین موضوعه، افزون بر همسان‌سازی بیشتر حقوق داخلی با حقوق جهانی، نوعی مدد رساندن به جامعه محسوب می‌شود که در نهایت می‌تواند به بهبود اخلاق اجتماعی نیز منجر شود. بنابراین تغییر در رویه‌های قضایی و

خاصی به خود می‌گیرد. به طور مشخص، در مورد تعویق صدور حکم نیز، تعریفی در قانون مشاهده نمی‌شود. با این وجود می‌توان گفت: «تعویق صدور حکم، عبارت است از تصمیم دادگاه کیفری پس از عقیده به مجرم‌بودن متهم، به موکول‌نمودن صدور رأی نهایی خود به زمان شناخته شده دیگر، با هدف سنجش بازپروری مرتکب، از راه پیروی از دستورهای مناسب، به ترتیب مقرر در قانون.»

بنابراین در تعریف حقوقی تعویق در زمینه صدور احکام می‌توان گفت دادگاه در تعویق صدور حکم، با اجتماع شرایط قانونی این اجازه را دارد که اگر صدور حکم محکومت برای مرتکب مصلحت و موقعیت نداشته باشد، ابتدائاً صدور حکم محکومیت را به تأخیر انداخته و سپس مرتکب را از مجازات مقرر قانونی معاف نماید (۴).

۳- نهاد معافیت از کیفر

در حقوق موضوعه ایران، معافیت از کیفر به عنوان یک نهاد قانونی تشویقی، در موارد ویژه، مانند پشیمانی ارادی شخص از کامل‌نمودن جرمی که شروع نموده است، یا همکاری او با مقامات کشف و تعقیب جرم که مقام قضایی، ناگزیر به رعایت آن باشد، سابقه‌ای به درازای تصویب نخستین قانون مجازات عمومی دارد. برای نمونه، ماده ۲۲ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ مقرر داشته بود: «هرگاه کسی که شروع به جنایتی کرده و به میل خود، آن عمل را ترک کند، از جهت جنایت منظوره، مجازات نخواهد شد...». این‌گونه معافیت، در تمامی قوانین مجازات مصوب پس از آن، قبل و بعد از انقلاب اسلامی و در قوانین خاصی مانند «قانون مجازات اخلاص‌کنندگان در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تأسیسات هواپیمایی» مصوب ۱۳۴۹ (ماده ۵) و یا «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشای اختلاس و کلاهبرداری» مصوب سال ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، (تبصره ۵ ماده ۴) ادامه یافته است، اما معافیت از مجازات به عنوان یک نهاد قضایی فراگیر، نخستین بار با تصویب ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ و با الهام از حقوق کیفری فرانسه، وارد نظام کیفری کشور شد.

حقوقی به نوبه خود بر مسأله اخلاق اجتماعی نیز اثرگذار می‌شود. علاوه بر این، با این تغییرات، اعتبار کشور در عرصه‌های بین‌المللی و در روابط خارجی، افزایش می‌یابد و بهانه را از نهادهای حقوق بشری و دولت‌ها در داد و ستدهای جهانی برای فشارهای سیاسی و گرفتن امتیازهای گوناگون، می‌ستاند. به عنوان نمونه، افزایش تعداد زندانیان در ایران، فقدان نهادهای جایگزین زندان و همچنین استفاده از مجازات اعدام برای جرائم متعدد از جمله موضوعاتی است که باعث ایجاد فشارهای بین‌المللی بر علیه جمهوری اسلامی ایران می‌شود. از این منظر، بهره‌گیری از نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم تا حدود زیادی می‌تواند همسو با گرایش‌های جهانی و حامی حقوق زندانیان غیر خطرناک تلقی شود.

به طور کلی، نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم، نوعی مجازات جایگزین محسوب می‌شوند که مانع از اجرای مجازات از قبیل زندان برای مرتکب می‌شوند. تدابیر جایگزین، در سطح بین‌المللی، از قدیمی‌ترین نشست‌ها مانند کنگره بین‌المللی پیشگیری و سرکوبی سال ۱۸۷۲ لندن و نیز از هنگام تشکیل اتحادیه بین‌المللی حقوق کیفری در سال ۱۸۸۹ مطرح بوده و به تصویب قطع‌نامه‌هایی نیز منجر شده است (۷). برای نمونه در قسمتی از بند ۱۴، سفارش‌های اسناد هشتمین کنگره سازمان ملل برای پیشگیری از جرم و رفتار اصلاحی با مجرمان در زمینه کاربرد قوانین جزایی و تهیه خط مشی‌های تعیین مجازات در سال ۱۹۹۰، آمده است: «باید... رویه‌ها و قوانین جزایی، به صورت انسانی درآیند و روش‌های محکوم‌کردن و راه حل‌های جانشین محکومیت در چارچوب کلی عدالت اجتماعی و تمایلات جامعه مورد نظر قرار گیرند» (۸).

قطع‌نامه قواعد استاندارد حداقل ملل متحد در باره تهیه و تنظیم اقدامات غیر سالب آزادی به نام قواعد توکیو، مصوب اجلاس بین منطقه‌ای کنگره هشتم که مهم‌ترین سند بین‌المللی در این خصوص است، به موجب قاعده ۸-۲، تدابیری که در مرحله صدور حکم می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد را شمارش نمود که انصراف مشروط از صدور حکم

محکومیت، حکم معوق، حکم آزمایشی مراقبتی و نظارت قضایی، از جمله آن‌هاست (۵-۶).

«تعویق صدور حکم» در سند یادشده در سال ۱۹۹۰، به عنوان گونه‌ای از جایگزین‌های حبس معرفی شد (۹). به علاوه، در همین راستا، کمیته پیشگیری از ارتکاب جرم و رفتار با محکومان سازمان ملل متحد در بند ۱-۵ قطع‌نامه پیشنهادی ارائه‌شده به یازدهمین اجلاس کمیته مذکور (۶-۵ فوریه ۱۹۹۰ م.) زیر نام تصمیمات مقدم بر رسیدگی دادگاه‌ها، بیان داشت: «پلیس، دادسرا یا سایر مقامات مسؤول عدالت کیفری، در صورت مصلحت و آنگاه که این امر با نظام حقوقی آنان مانع‌الجمع نباشد، باید مجاز شناخته شوند تا در مواردی که توسل به تعقیب قضایی برای حمایت از جامعه، پیشگیری از ارتکاب جرم یا ترفیع احترام قانون یا حقوق زیان‌دیدگان از جرم ضروری نباشد، از تعقیب خودداری کنند» (۱۰).

از طرفی دیگر، اهداف نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم با توجه به این‌که در راستای اصلاح مجرمان و مرتکبان صورت می‌گیرد، نوعی گسترش اخلاق و عدالت نیز به شمار می‌روند. در این زمینه از «عدالت ترمیمی» سخن به میان آورده می‌شود. عدالت ترمیمی، فرایندی است که به وسیله آن، همه طرفین دارای نقشی در یک جرم خاص، برای چگونگی برخورد با پیامدهای بعدی جرم و الزامات آن در آینده، با مشارکت یکدیگر به راه حلی جمعی می‌رسند (۱۱). توضیح این‌که، چارچوب نظری عدالت ترمیمی، الغاگرایی کیفری با ساز و کارهای قضازدایی، جرم‌زدایی و کیفرزدایی است تا بتواند جانشین عدالت کیفری کلاسیکی باشد که همیشه با انبوه پرونده و پیامدهای ویرانگر آن بر متهمان و مجرمان، بی‌توجهی به بزه‌دیده و ایجاد سرخوردگی در او و میدان‌ندادن به جامعه مدنی در مدیریت بزه‌کاری، رو به رو است. در رویکرد عدالت ترمیمی، جرم به عنوان اختلافی میان مجرم - بزه‌دیده است و مجازات یا اصلاح، در رده بعدی بوده و نقش بزه‌دیده، پررنگ است (۱۲).

اهداف عدالت ترمیمی در این رویکرد، ترمیم و تقویت روابط خدشه‌دار شده میان بزه‌کاران، بزه‌دیدگان و به طور کلی جامعه است (۱۳). از طرفی دیگر، اهداف عدالت ترمیمی، با

استفاده از نهادهای ارفاقی قابل دستیابی است، به ویژه این که در هر یک، به ترمیم رابطه آسیب دیده بین بزه دیده و بزه کار، از راه جبران ضرر و زیان وارده به بزه دیده، توجه شده است. به علاوه، برآیند پژوهش ها نشان می دهند رهیافت عدالت ترمیمی، تا اندازه ای به کاهش ۲۵ درصدی تکرار جرم می انجامد و افزون بر این، اثرگذاری اش با هزینه های به مراتب کمتری به دست می آید (۱۴). به نظر می رسد نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم، به نوبه خود حامی عدالت ترمیمی، اخلاق اجتماعی و بازپروری مرتکبان در جامعه باشند. از این جهت، توجه به آثار اخلاقی آن ها مخصوصاً در جامعه ایرانی حائز اهمیت است.

۶- آثار اخلاقی نهادهای معاف از کیفر و تعویق صدور حکم

پس از این که نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم در نظام های حقوقی جهان و ایران مورد بررسی قرار گرفت، حال به بررسی آثار اخلاقی آنان در حوزه های مختلف می پردازیم.

۶-۱- بازدارندگی و توجه به خصوصیات فردی

مرتکب: در اصول اخلاقی، پیشگیری به عنوان راه حلی برای جلوگیری از اعمال ارتكابی، بسیار مهم و قابل توجه است. از همین رو نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور در راستای همان اصل جهانی و اخلاقی محسوب می شوند که هدف اصلی آنان، جرم زدایی و پیشگیری از اعمال و رفتارهای مجرمانه است. این موضوع که به صورت یک رویکرد جهانی مورد توجه قرار گرفته است با هدف مقابله با افزایش جرائم کیفری مطرح شد (۱۵). بدین ترتیب نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم در هر شرایطی که مورد استفاده قرار گیرند، متضمن نوعی بازدارندگی از ارتكاب جرم در شرایط مختلف هستند که قانونگذار علاوه بر جنبه های کیفری، بهبود و اصلاح اخلاق اجتماعی را نیز مد نظر قرار داده است، حتی در این زمینه استدلال می شود که نهاد حقوقی قرار تعویق صدور حکم، مبتنی بر نظریه جرم شناسی برجسب زنی است و در حقیقت راهی برای مقابله با آثار زیان بار برجسب مجرمیت به افراد است (۱۶).

نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم از یک جنبه باعث ایجاد گرایش های بازدارنده در جامعه می شوند، چنانچه یکی از اوصاف اساسی هر نوع مجازاتی است و نمی توان آن را متعلق به مجازات خاصی دانست (۱۷). همچنین در مباحث حقوقی، عدالت به معنای توجه به ویژگی ها، صفات و خصوصیات مرتکبان و توجه به شرایط و اوضاع اجتماعی، وضعیت خاصی برای اخلاق اجتماعی و فردی ایجاد می کند. بنابراین برخلاف رویه های اقتصادی، عدالت به معنای در نظر گرفتن شرایط خاص فردی و اجتماعی در اعمال مرتکب است. به عبارت دیگر امروزه دیگر عدالت در مفهوم ماهوی خود، قراردادن هر چیز در جای خود نیست، بلکه پیچیده تر از آن است، به گونه ای که تأخیر در اجرای آن نیز، همسان انکار آن و بی عدالتی است (۱۸).

بنابراین مواد ۳۹ و ۴۰ قانون مجازات اسلامی به نوعی حامی بسط ارزش های اخلاقی در عرصه حقوق فردی و اجتماعی محسوب می شوند، چنانچه قبلاً نیز بیان شد، در این دو ماده به ترتیب چنین بیان شده است: ماده ۳۹: «در جرائم تعزیری درجه های هفت و هشت در صورت احراز جهات تخفیف چنانچه دادگاه ها پس از احراز مجرمیت، تشخیص دهند که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب، اصلاح می شود، در صورت فقدان سابقه کیفری مؤثر و گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن می توانند حکم به معافیت از کیفر صادر کنند.» همچنین مطابق ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی که در آن چنین بیان شده است: «در جرائم موجب تعزیر درجه شش تا هشت دادگاه می تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتكاب جرم گردیده است، در صورت وجود شرایط زیر صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد: ۱- وجود جهات تخفیف؛ ۲- پیش بینی اصلاح مرتکب؛ ۳- جبران ضرر و زیان در برقراری ترتیبات جبران؛ ۴- فقدان سابقه کیفری مؤثر.»

بنابراین ماده ۳۹ ق.م.ا. به طور مشخص، حامی معافیت از کیفر است که در واقع با هدف اصلاح و بازپروری مرتکب و البته جبران ضرر وارده دنبال می شود. از این منظر، این اصل،

از راه پیشگیری عمومی، به سود جامعه، از راه پیشگیری از برچسب مجرمانه و رهایی متهم از نگرانی، به سود وی و با جبران خسارت، به سود بزه‌دیده است (۱۸). همچنین ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی و فردی مرتکب، باعث شکل‌گیری نوعی عدالت اخلاقی می‌شود که بر اساس آن، شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر مرتکب، بر معافیت وی اثرگذار می‌شود، هرچند ضوابط اخلاقی و حقوقی حاکم بر نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم با توجه کردن به فرد مرتکب و لزوم بازپروری وی در جامعه، نوعی «مسئولیت فردی» را نیز پرورش می‌دهد، زیرا پیام این نهادها در زمینه‌های اخلاقی این است که انسان، باید هم در برابر خویش و هم در برابر دیگران نسبت به اعمال و نیاتش پاسخگو باشد و مسئولیت را به عنوان توانایی قانونگذاری عقلش تجربه کند. به عبارت دیگر مسئولیت، نتیجه مستقیم آزادی است (۱۹). بر این اساس، قاضی می‌تواند با توجه به خصوصیات مجرم و فعل ارتكابی، مجازاتی متناسب را که باعث اصلاح او می‌شود، مقرر نماید (۲۰). بنابراین اصل اولیه در چنین مواردی، توجه به شخصیت بزه‌کار و تأثیری است که مجازات بر وی می‌گذارد (۲۱).

توجه به شرایط روحی و روانی فرد مرتکب به منظور بهره‌مندی از نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم، نوعی کمک اخلاقی در چارچوب قوانین محسوب می‌شود که به نوبه خود زمینه‌ساز اصلاح و بازپروری فرد مرتکب می‌شوند و حتی رویکردی بازدارنده نیز ایجاد می‌کنند. در حقیقت، دادگاه با توجه به حالات و روحیات مرتکب جرم به این نتیجه می‌رسد که تهدید به اجرای مجازات در آینده نسبت به مجرم بیش از اجرای مجازات در آینده نسبت به مجرم مؤثر خواهد بود (۲۲). ضمن این‌که در حوزه شخصی و مجازات‌های خصوصی، منطبق بر ویژگی‌ها و خصوصیات فردی مرتکب، تصمیماتی در زمینه نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم اتخاذ می‌شود. با این هدف که نوعی بازدارندگی از ارتکاب جرم صورت گیرد و زمینه‌ها برای اصلاح و بازپروری مرتکبین فراهم شود، در نتیجه مهم‌ترین فایده این نوع سیاست، همانا ممانعت از تکرار جرم و دوباره آلوده‌شدن

مرتکب است (۲۳). بنابراین یکی از آثار اخلاقی تعویق صدور حکم، پیشگیری از رفتارهای مجرمانه از سوی افرادی است که به دلایل مختلف، نظم و اخلاق اجتماعی را با تهدید مواجه می‌سازند. در این معنا، پیشگیری عبارت است از ایجاد ممانعت از وقوع جرم و جلوگیری از تبهکاری و ناهنجاری (۲۴).

۲-۶- مدیریت اخلاقی دستگاه عدالت کیفری:

سرعت بخشیدن به امور قضایی و کیفری و همچنین زندان‌زدایی، کمک به مرتکبان غیر خطرناک، همگی می‌توانند مشروعیت اخلاقی خاصی برای نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم تلقی شوند. این موضوع در قالب کلی «مدیریت‌گرایی» قابل بررسی است که به نوبه خود می‌تواند آثار اخلاقی در حوزه‌های مختلف اجتماعی داشته باشد. توضیح این‌که، ناکارآمدی سازمان قضایی در مهار جرم و جلب اعتماد عمومی، افزایش جرائم و ترس از جرم و طولانی‌شدن رسیدگی‌های کیفری با هزینه‌های نامتناسب، موجب ورود الگوی مدیریت‌گرایی به نهاد عدالت کیفری شده است. با این وجود، چالش پیش رو در این مسیر، چگونگی برقراری هم‌وزنی بین نگرانی‌های مدیریتی با اجرای عدالت است، به گونه‌ای که برخی ایده‌پردازان، با یادآوری این‌که هدف بنیادین عدالت کیفری، مجازات مجرم است نه افزایش کارایی، با پایبندی به مفاهیم پیشین و باور به ناسازگاری مفاهیم کارایی و عدالت، ورود آموزه‌های مدیریت‌گرایی به فرایند کیفری را مورد نکوهش قرار داده و برای نمونه، معامله اتهام را پیامد مدیریت‌گرایی دانسته‌اند، نه دکتترین حقوقی. از سوی دیگر، افرادی مانند هیدبرند و سرون (Heydbrand and Seron)، مدیریت‌گرایی را ابزاری برای عقلانی‌کردن عدالت با استفاده از اصول مدیریت و اقتصاد در اداره محاکم، به جای استناد به مفاهیم انتزاعی و غیر قابل دسترس عدالت دانسته‌اند. در همین راستا، امروزه افزایش فشارها به دلیل ناکارآمدی نظام قضایی، موجب حاکمیت گام به گام الگوی مدیریت‌گرایی در نظام عدالت کیفری شده است (۲۵). به این دلیل که مدیریت‌گرایی از این قابلیت برخوردار است که می‌تواند حقوق شهروندان را در قالب کاستن از زمان دادرسی، زندان‌زدایی و توجه به وضعیت اجتماعی مرتکبین مورد توجه قرار دهد.

بر همین اساس، در پرتو تجربه پیروز سایر کشورها و توصیه‌های سازمان ملل متحد در حداقل حقوق لازم‌الرعایه در مورد رفتار با زندانیان موضوع قواعد توکیو مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰، کوشش‌ها به منظور کاستن موارد استفاده از مجازات زندان و ایجاد تعدد مجازات‌ها در راستای حبس‌زدایی شتاب گرفته است (۲۶)، ضمن این‌که جرم‌زدایی در زمینه‌های اجتماعی و اخلاقی، به معنای جایگزین کردن مجازات برای اصلاح رفتارهای اجتماعی است و هرگز نوعی رهاکردن مجرم و مرتکبان در جامعه نیست. از این منظر، قانونگذار در مقام پاسخ به جرم، از مجازات استفاده نکرده و تدابیر اجتماعی دیگری را جایگزین مجازات می‌کند (۲۷). بدین ترتیب نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم به نوبه خود نوعی تأدیب و تربیت اخلاقی و اجتماعی را در خود نهفته دارد که از طریق رسیدگی به اوضاع و احوال مرتکبین غیر خطرناک و تلاش برای بازسازی آنان دنبال می‌شود. چنین رویکردی به نوبه خود پیام‌ها و آثار اخلاقی قابل توجهی بر جای می‌گذارد. به این دلیل که تعویق اجرای مجازات، یکی از راه‌های قانونی اعطای فرصتی به مجرم برای خودداری از ارتکاب جرم و آماده شدن برای بازگشت مجرم به زندگی عادی در جامعه است (۲۲).

۳-۶- زندان‌زدایی و اصلاح اخلاقی جامعه: اجرای

مجازات، همیشه چالش بزرگی برای نظام عدالت کیفری بوده است. همواره بخش زیادی از بودجه عمومی کشورها، برای به خدمت گرفتن و آموزش نیروی انسانی ضروری، فضاهای فیزیکی، ساختمان‌ها، وسایل و ابزارآلات مناسب اجرای احکام و نگهداری پرهزینه و پرحاشیه زندانیان از جمله غذا و درمان آن‌ها، به کار گرفته می‌شود، بدون آنکه به جز جدانمودن مجرم از جامعه، کم‌ترین کارایی متناسب با این هزینه‌ها، به دست آمده باشد. هزینه‌های مستقیم و غیر مستقیم اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی که از راه نگهداری یک فرد در زندان، بر دولت، جامعه و خانواده محکوم تحمیل می‌شود، سرسام‌آور است. از طرفی دیگر، عدم حضور فرد در خانواده، جامعه و محل کار، جبران‌ناپذیر است. زندان‌هایی که نه تنها برنامه‌های اصلاحی پیروزمندانه‌ای ندارند، بلکه سال‌هاست شکست برنامه‌های آنان در این زمینه، آشکار و به مراکز آشنایی و

آموزش‌های زندانیان به یکدیگر و تشکیل و رهبری شبکه‌ها و باندهای مجرمانه در داخل و خارج زندان، تبدیل شده‌اند. به کارگیری نهادهای ارفاقی، از جمله نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم، راه‌هایی ساده و مهم، برای اصلاح و درمان، با کم‌ترین هزینه اقتصادی است. مهم‌تر این‌که، از لحاظ اخلاقی، نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم، نوعی کیفرزدایی از ساحت اجتماع است که به نوبه خود زمینه‌ساز تأدیب و پرورش مرتکبان را فراهم می‌سازد. از این منظر، کیفرزدایی نوعی مداخله و تدبیر اجتماعی است که جایگزین کیفر می‌گردد، ولی عنوان مجرمانه برای فعل یا ترک فعل حفظ می‌شود (۲۸).

در تعویق صدور حکم و معافیت از کیفر، تمیز روشنی میان مجرمان و افراد عادی جامعه نیز دیده می‌شود. بنابراین این‌گونه نیست که با تعویق صدور حکم، فرد خاطی به حال خویش رها شود. این رویکرد به نوبه خود موجد اخلاقی اجتماعی است، زیرا دادگاه پس از صدور آن، در انتهای مدت تعویق جهت صدور حکم تعیین یا معافیت از کیفر مجدداً پرونده امر را نزد خویش مفتوح می‌نماید، بنابراین این قرار، اصلی‌ترین خصیصه قرارهای نهایی که همان قاعده فراغ دادرسی باشد را، دارا نبوده و قرار نهایی محسوب نمی‌شود. پس در صورت ارائه دلیل جدید مبنی بر بی‌گناهی متهم، منعی در رسیدگی و احیاناً صدور حکم برائت وجود نخواهد داشت (۴). با این حال، جهت بهبود وضعیت اخلاقی جامعه و فرد، نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم، نوعی بخشش و احسان نیز ایجاد می‌کنند، زیرا آنچه در نهادهای معافیت از کیفر دیده می‌شود، این است که در معافیت، مجرم از تحمل کل مجازات رهایی می‌یابد (۲۹). به عبارتی دیگر، معافیت از جرم به نوبه خود حامی این ایده است که مجرم قبل از ورود به زندان و تحمل حبس، تنبیه و تأدیب می‌شود و حتی به وسیله ساز و کارهایی که برای تأدیب وی اعمال می‌شود، از وارد شدن به محیط‌های حبس بازداشته می‌شود.

همچنین هدف از به کارگیری نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم، نوعی اصلاح اخلاقی و اجتماعی است که راهی برای جلوگیری از کج‌روی و ارتکاب مجدد به جرم در

جامعه است. در این معنا، اصلاح، نوعی بازسازی و بازپروری است که هدفش ممانعت از کج‌روی و افتادن مجدد مرتکب در فرایند مجرمانه است (۱۲). این موضوع نیز مورد توجه اخلاق اسلامی می‌باشد که بر اساس آن، دادرس مکلف به اجتهاد، کارآمدترین واکنش را به منظور تأدیب و تربیت متخلف و مجرم در نظر بگیرد (۳۰)، چنانکه در ماده ۵۴ قانون مجازات اسلامی به صراحت به این موضوع اشاره شده است که: «... دادگاه به هنگام صدور قرار تعلیق به طور صریح به محکوم اعلام می‌کند که اگر در مدت تعلیق، مرتکب یکی از جرائم فوق شود، علاوه بر مجازات جرم اخیر، مجازات معلق نیز درباره وی اجرا می‌شود.»

تعویق صدور حکم هر دو نگرش اصلاحی و تربیتی و همچنین ترس و تهدید برای فرد مرتکب را در خود نهفته دارد. بنابراین هم به لحاظ اخلاقی نوعی بازدارندگی محسوب می‌شود و هم نوعی اصلاح و بازپروری مرتکبان را مورد توجه خود قرار می‌دهد. به عبارت دیگر چرایی تعویق صدور حکم مبتنی بر بازدارندگی ارعایی محکوم و اصلاح و تربیت وی از یکسو و کاهش جمعیت زندان و مخاطرات زندانی کردن در جرائم کم‌اهمیت است. آثار ارعایی و احتیاطی تعویق صدور حکم چه بسا از تعلیق اجرای مجازات بیشتر است (۶)، ضمن این‌که آثار بازدارنده تعویق صدور حکم به گونه‌ای است که مصونیت دائمی برای مرتکب ایجاد نمی‌کند. بدین ترتیب در صورتی که مرتکب در مدت تعویق و دوره مراقبت از پذیرش و انجام قوانین و مقررات ذی‌ربط استنکاف ورزد، در معرض الغای تعویق و صدور حکم محکومیت قرار می‌گیرد و در صورت سپری کردن موفقیت‌آمیز مدت تعویق، حکم محکومیتی برای وی صادر نخواهد شد (۴).

با این وجود، جنبه‌های اخلاقی نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم، مشروعیت خاصی به نهادهای ارفاقی اعطا می‌کند که می‌توانند به عنوان الگویی برای بسط اخلاقی در زمینه‌های حقوقی مد نظر قرار گیرند. از این منظر، نظام کیفری باید به گونه‌ای باشد که موجب اصلاح و بازگشت مجرمین به جامعه باشد (۲۸). در چنین رویکردی است که به جای مجازات و صدور کیفر برای متهمان و مرتکبان، به اصول

اخلاقی نظیر بازپروری افراد بر مبنای توجه به خصوصیات شخصی آنان توجه نشان داده می‌شود. بنابراین تغییرات ایجاد شده در این زمینه به خوبی می‌تواند بستر مناسبی برای اعمال حقوق بشری تلقی شود، هم‌چنانکه هم در ایران و هم در سایر نظام‌های حقوقی جهان، برطرف کردن معیارهای تبعیض‌آمیز در حوزه‌های سیاسی، فلسفی و حقوقی بسیار مورد توجه است (۳۱).

در نهایت این‌که جنبه‌های اخلاقی نهادهای ارفاقی همچون نهاد معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم، مسؤولیت‌پذیری مرتکبان را در زمینه‌های مختلف مورد توجه قرار می‌دهد. به این دلیل که با تعویق حکم، هم نوعی بازگشت فرد به جامعه را میسر می‌سازند و هم این‌که، وی را در قبال عمل ناسالمی که انجام داده است، همواره زیر نظر دارد تا در صورت ارتکاب جرم، بر وی حمل کند. این رویکرد به نوبه خود تابع اصل اخلاق فردی در اسلام است که می‌فرماید: «هر کدام از شما مسؤول هستند و درباره افرادی که به سخن شما گوش می‌دهند بازخواست خواهید شد» (۳۲). بر این اساس، در نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم به دلیل تأکید بر ویژگی‌های شخصی و روان‌شناسی افراد، توجه خاصی به حقوق برابر و مساوات اخلاقی بر مبنای ویژگی‌های فردی می‌شود. به همین دلیل یکی از اصولی که تحت تأثیر همین روابط وارد حقوق کیفری شده، اصل فردی کردن مجازات یا اصل تفرید کیفری می‌باشد (۳۳).

نتیجه‌گیری

نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم، نوع خاصی از نهادهای ارفاقی هستند که علاوه بر ابعاد حقوقی، دارای آثار اخلاقی قابل توجهی در حوزه‌های فردی و اجتماعی می‌باشند. به طور مشخص در حوزه فردی با فردی کردن مجازات، توجه به خصوصیات و رفتارهای درونی فرد مرتکب، شناسایی مرتکبین خاص و تلاش برای احیا و بازپروری آنان در شرایط مختلف از اخلاق فردی به معنای ایجابی آن، دفاع به عمل می‌آورند، ضمن این‌که در حوزه اخلاق اجتماعی نیز با دفاع از مدیریت‌گرایی در عرصه اجتماع، زندان‌زدایی، کاستن از

پرونده‌های حقوقی و قضایی، اصلاح رفتار زندانیان و تلاش برای بهبود وضعیت‌های مجرمانه، کمک شایانی به اخلاق اجتماعی می‌نمایند. بدین ترتیب، قانونگذار در ایران و پس از تصویب قانون جدید در سال ۱۳۹۲، رویکرد جدیدی در قبال مجرمان غیر خطرناک، اصلاح و بازپروری آنان اتخاذ کرده است. از این نظر، نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم، هرچند نه به شکل نسخه‌برداری از نهادهای حقوقی عرفی، اما با رویکردی اخلاقی و با توجه به اصلاح رفتارهای فردی و اجتماعی، نقش مهمی در بهبود اخلاق فردی و اجتماعی ایفا نموده است.

بدین ترتیب از منظر حسن و قبح اخلاقی، نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم در انحای مختلف خود، هم نوعی بازدارندگی از تکرار برخی رفتارها را ایجاد می‌کنند و هم نوعی رویکردی ایجابی جهت اصلاح و بهبود رفتار فردی مجرمان غیر خطرناک اتخاذ می‌کنند. بدین ترتیب نهادهای مزبور حامی نوعی عمل اخلاقی در جامعه هستند که با رویکردی اصلاحی، زندان‌زدایی و بازپروری را سرلوحه عمل خویش قرار می‌دهند. بدین معنا که قانونگذار با تأکید بر زمینه‌های اصلاح و بازپروری افراد و کمک به مجرمان غیر خطرناک، راه را برای مجازات جایگزین زندان نیز باز گذاشته است. با این اوصاف، نهادهای معاف از کیفر و تعویق صدور حکم، به شکل مؤثری می‌توانند موجد اخلاق فردی و اجتماعی شوند. از طرفی دیگر، گسترش جرائم و سیاهه آن، دستیابی پلیس به ابزار نوین کشف و پیگرد جرائم و رنگ‌باختن شیوه‌های محلی حل اختلافات، شمار پرونده‌های کیفری را به میزان چشم‌گیری افزایش داده است. در این شرایط، چنانچه بنابراین گذارده شود که تمامی مراحل رسیدگی کیفری نسبت به همه جرائم خرد و سنگین و نیز نسبت به همه مرتکبین عادی و خطرناک از آغاز تا پایان، بدون اغماض و انصراف، پیموده شود، به زودی دستگاه عدالت کیفری، با انباشت مهارناپذیر پرونده‌ها رو به رو می‌شود، حجم و فزونی پرونده‌ها، یا رسیدگی را کند و زمان آن را طولانی می‌سازد و یا بر کیفیت آن، اثر می‌گذارد که هر دو، آسیب بزرگی بر پیکره نهاد مجری عدالت است، زیرا طولانی‌شدن زمان رسیدگی و مجازات یا رسیدگی شتاب‌زده

پراشتباه، اعتماد عمومی را به دستگاه قضایی از میان می‌برد، به انتقام‌جویی و اجرای عدالت خصوصی و شخصی می‌انجامد و مجازات را با فاصله ایجادشده، بی‌اثر می‌سازد.

در چنین شرایطی است که نهادهای ارفاقی همانند معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم می‌توانند باعث اصلاح و بازپروری افرادی شوند که هم در زمره مجرمان غیر خطرناک به شمار می‌روند و هم از جهتی دیگر، نقش مهمی در زندان‌زدایی و کاهش پرونده‌های قضایی ایفا می‌کنند. این تأثیرات به نوبه خود نوعی گسترش اخلاق اجتماعی را در حوزه‌های مختلف پدید می‌آورد. بنابراین بهره‌گیری از نهادهای جایگزین به جای زندان، ایده مهمی است که در صورت لزوم و بهره‌گیری از مواد ۳۹ و ۴۰ ق.م.ا. می‌توانند موجد اخلاق فردی و اجتماعی گردد. به عنوان مثال کاهش پرونده‌های قضایی و بهره‌گیری از نهادهای جایگزین به خوبی می‌تواند برخی جرائم را در سطح جامعه به حداقل برساند. این وضع، در نظام‌هایی مانند کشور ما که با تورم قوانین جزایی و نهادهای پرشمار قانونگذاری رو به روست، به مراتب سخت‌تر و زیان‌بارتر است. از این رو باید با استفاده از نهادهای ارفاقی در جرائم سبک و نسبت به مرتکبین بدون سابقه ارتکاب جرم، از شمار پرونده‌های قضات کاست و زمان رسیدگی و فرایند کیفری را کوتاه نمود تا ایشان بتوانند با تمرکز بر جرائم سنگین، به اهداف سازمان عدالت کیفری، نزدیک‌تر شوند. دستیابی به اهداف مزبور با استفاده از نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم به انحای مختلف نوعی عمل اخلاقی محسوب می‌شوند.

References

1. Golami H. Mass Predication. *Juornal of Teology and Law* 2014; 2(2): 61-79.
2. Samadi M. Davaie M. Ighbalian T. Fundamental. Principles and Methods of Moral training in the behavior of the Prophet (S) and Infallible Imam (A). *Research In Islamic Education* 2012; 20(16): 37-64.
3. Jaafari Langroodi MJ. Terminology of Law. Tehran: Publications Ganj Danesh; 2009.
4. Salimi S. Kanaani MA. Postponement of Criminal Judgment in Islamic Jurisprudence; Iranian Law and U.S.A. *Juornal A Comparative Study of Islamic Law* 2015; 2(3): 81-107.
5. Goldost Joybari R, Moradian M. Postponement of sentence in Iranian and French law. *Juornal Legal Investigations* 2014; 70(6): 137-169.
6. Alipour H, Towhidi Nafee J. Postponment: Delay in the administration of Justice or Change in the administration of Justice?. *Juornal of Criminal Law and Criminology Studies* 2014; 2(5): 311-331.
7. Haji Tabar Firouzjaie H. Alternative Imprisonment Penalties in Iranian Criminal Law. Tehran: Publications Ferdosi; 2014.
8. No Bahar R. principle of minimum application of Criminal law. *Juornal of The Teachings of Criminal Law* 2011; 1(1): 91-115.
9. Rayeja Asli M. Victimized in the Criminal Process. Tehran: Publications Thired Line; 2002.
10. Ashori M. Code of Criminal Procedure. Tehran: Publications Samt; 2009.
11. Rostami V. Peoples Partipation in the Criminal Process 2007; 37(2): 139-157.
12. Pradel J. History of Criminal Thought. Translated by Najafi Irand Abadi AH. Tehran. Pyblications Samt; 2000.
13. Mahra N. Panalty and how it is determined in th UK Criminal Process. *Journal of Criminology* 2007; 10(137): 183-206.
14. Brox T. Punishment. Translated By Kazim Nazari MA. Tehran: Publications Mizan; 2015.
15. White R, Hines F. Introduction to Crime and Crimolology. Translated by Sedighi Bathaie Asl R. Tehran: Publications Dadgostar; 2002.
16. Mosadegh M. Description of the Islamic Penal Code adopted in 2013 with an applied approach. Tehran: Publications Jungol; 2012.
17. Mehrpoor H. The Story of Tazirat, an Owerivw of the Tazir Legislation in the Islamic in the Islamic Republic of Iran. *Magzin Conon Lawyers* 2011; 1(148): 20-78.
18. Isfandiari MS, Noorpour M. Consequences and Challenges of Criminal Tolerance in Small Crims. *Juonal Kar Agah* 2017; 1(39): 56-76.
19. Mohammad Rezaie M. Explaining and critizing Kant Philosophy of Ethics. Qom: Publications Center of Qom Seminary Advertising Office; 2000.
20. Haji Deh Abadi A. Classification of penalties in Islamic penal code. Position of Taazir and dererrent punishment. *Journal Law of Justice* 2010; 1(69): 1-28.
21. Ilham GH, Borhani M. Introduction to Public Penal Law. Tehran: Publications Mizan; 2013.
22. Validi MS. The moderating role of care Suspensions as an alternative prison Sentence. *Judical Magazine* 2000; 4(22): 8-14.
23. Kazemi S. Relection of the principle of fairness in the principle of individualization of punishments. *Juornal of Exellence of Rights* 2011; 17(1): 44-63.
24. Gasen R. Applied Criminology. Translated by Keynia M. Tehran: Publications Salsabil; 1991.
25. Qasemi Kahriz Sangi R, Farajiha M. The Challenge of Justice and Oerformance in Criminal Management Discourse With Emphasis on Iranian Law. *Juornal of The Teachings of Criminal Law* 2014; 1 (9): 24-59.
26. Valehi H, Ihsanpoor R. The Position of Alternatives to Imprisonment with Their Approach to Individualization in the Irannian Criminal Justice System. *Parliament and Strategy* 2015; 23(85): 248-280.
27. Alizade Ashkalak H. Code of Criminal Procedure. Tehran: Publications Imam Sadegh (A); 2005.
28. Najafi abrاند Abadi AH. Encyclopedia of Criminology. Tehran: Publications University of Shahid Beheshti; 1999.
29. Ahadi F, Fathizadeh F. Pathology of the new Institution of impunity. *Juornal of Jurisprudense and Principles of Islamic Law* 2014; 7(22): 97-117.
30. Sadeghi MH. Role of Towbeh in Hodod and Taazirat. *Juornal Criminl Justins* 2013; 14(2): 153-174.
31. Omidi J. Principles of Justics in criminal and Human Rights. *Journal of Parliament and Research*, 2002; 10(38): 41-88.

-
32. Majlesi MB. Bahar al-Anwar. Beirut: Publications Daro al-Ehya Altrath al-Alarabi; 1988.
33. Kiani M. The Principle of Personolizng Social Response. Master Degree in Criminal Law and Criminology. Mazandaran: University of Mazandaran; 2011.